

1993 تا 2000 که گیتارهای این آلبومها بی  
 اثر می‌نویسد. حالا برای او آلبوم را بخردید. حتما  
 از امریکای زندگی او در 1999 و 2000 پیدا کنید.  
 شعر است. هرچند آنکه او پول دستار و کراوات  
 نداشت. خیلی باهوش بود.



# immortals

6

شهرتین شهامی پور

JERRY LEE LEWIS  
 BRUCE SPRINGSTEEN  
 U2

موسیقی کار بازاریه. پس اکثر آنها خیلی اصیل  
 نیستند. آن چیزی که بود و می‌توانست بود، تمام  
 شده. حالا بود، دستمرا در آفتاب می‌بینی. می‌توانی  
 هرچند از اینها با دست 12 ساله پسران گمشده  
 باشد. اصل آلبوم، سالگرد است. فوس، تازه به  
 دست می‌آید. همه چیز از می‌نویسد. از  
 آنکه این آلبوم، هر یک از آنها که می‌توانی به یاد



## Jerry Lee Lewis

By Moby

تکتر هنوز بلندگوها می‌خوانند منفرجه شوند.  
چه جری لی لویز باشد چه لیبل ریچاردز یا  
جین ویست از این آدمها لغزشش می‌چکد  
آلبومهای آن‌ها همگی نوعی حس رها کردن انحراف  
دارد، همان‌طور که تمام امیدهای موفقیت تجاری و  
بیا هرگونه احتراسی را کنار گذاشتند، و تنها  
می‌خواستند دیوانهوار موسیقی بزنند و دراز شوند.  
جری لی لویز آرزوی عجیبی داشت که هیچ  
سوزیسین سفیدیوستی آن را نداشت و این سرا  
همیشه حیرت‌زده می‌کند.

در مورد تمام هنرمندان معاصر، سکی بودن  
چیزی است که برای فروش آلبوم لازم است. جری  
لی، به نظر من مثل ۱۹۵۷ و استوجس یا بلک فلگ  
است. آن‌ها هم همین لغزششان را دارند. همین‌طور  
من جری لی را در Whole lotta love از لوزیلین و  
یا در It takes a nation of millions to hold u back  
از گروه Pu blic Enemy می‌شنوم.

اگر من دختر داشتم اجازه نمی‌دادم با یک

چرخیده شد.  
این روزها موسیقی سفید و سفید بسیار ارادانه  
و خوب با هم ترکیب شده‌اند. آن زمان سابقه نداشت  
که یک سوزیسین سفیدیوست این‌طور صدا بدهد.  
قابل توجه این است که جری لی در محیط بسیار  
محافظه کار بزرگ شد. یک داستان احتمالاً ساختگی  
وجود دارد که او و برادرش همیشه سوکارت که می‌بند  
می‌بند و وقتی بچه بودند به یک بار رفتند و از  
پشت پنجره یک گروه قبیح‌العاده را لندنی را دیدند.  
چیزی احتمالاً گفته. «این موسیقی شیطان است»  
باید برویم، اما جری لی همان‌جا میخواب شده بود  
و نمی‌توانست از جاییش تکان بخورد. او شیخ  
موسیقی شیطان شد.

اگر به آلبومهای او گوش کنید خیلی بیشتر از  
گروههای پانک امروزی صدای پانک می‌دهد. وقتی  
به صفحه‌هایش گوش می‌کنید خیلی سریع‌تر از  
آن‌چه هست به گوش می‌رسد و همین‌طور بلندتر.  
اگر آن را در یک سیط صوت معمولی هم گوش کنید

من واقعاً کنج‌کاوم بفهمم جری لی لویز چقدرنا پیانو  
را در طول زندگی‌اش دلقون کرده. هر کسی که  
مسئول کوک کردن و مطمئن شدن از پیانو در همان  
استودیو بود حتماً هر وقت که او می‌خواست به  
استودیو بیاید عزا می‌گرفته شما به پیانو به‌تون  
سازی محافظه‌کار و موثر فکر می‌کنید و در بیست  
سال اخیر تقریباً کاملاً از راک اندرول محو شده  
است. اما شیوه‌ای که او ساز می‌زد بسیار گویای بود  
می‌توانی صدای چکش‌ها را که به سمت سمبها  
می‌آیند بشنوی. اگر در این دوره بزرگ می‌شد  
احتمالاً با رتالین از کار می‌انداختنش و شکر را از  
رژیم غذایی‌اش حذف می‌کردند.

او پیانو را به یک ازگستر تبدیل کرد. خطوط  
پلس پیشر و لیدهای اعجاب‌انگیزی داشت. همه در  
زمان‌بندی بی‌نقص، آدرتالین خیلی زیادی هم  
داشت. نمی‌دانم هنگام تولدش چه سونویی در  
مغزش چرخیده که او را وادار کرده این‌طور سریع و  
سخت ساز بزنند، اما خوشحالم که آن سونویج

موزیسین فرار بگذارد چون اکثر آن‌ها خیلی احمق هستند. اگر جری لی بود و می‌خواست برای شام خانه ما بیاید، دخترم را در اتاقش حبس می‌کردم. جریان ازدواجش با دختر ۱۳ ساله پسرخاله‌اش به‌طرز تحمل‌ناپذیری غم‌انگیز است. الویس تازه به سرپای اعزام شده بود، جری لی می‌خواست در انگلیس برای اولین‌بار تور بگذارد که رسوایی به پا

شد. او هیچ‌وقت قادر نبود تا از تخت پادشاهی که حق او بود بالا برود. نقش پیانو کپرنگ شد چون بسیار بزرگ‌تر و سنگین‌تر از آن بود که بشود از آن صدا گرفت. زیبایی گیتار الکتریک در این است که کوچک، قابل حمل، بلند و صدا گرفتن از آن آسان است.

Whole lot of shakin' و Great balls of fire

going on تک قطعه‌های فوق‌العاده‌ای هستند. ولی اگر می‌خواهید واقعاً جری لی لوئیز را بفهمید چندتا از اجراهای زنده او از Great balls را پیدا کنید. خلاص است، هیجان راک اند رول نشسته‌ها و از این لحظات خیلی زیاد ندیده‌ایم.



## U2

By Chris Martin

سرودی هستند مطلقاً بهترین‌اند. چیزی که در مورد U2 خیلی دوست دارم این است که خود گروه از تمام آهنگ‌ها و آلبوم‌هایشان شهرت نسبت خیلی خوشم می‌آید که بهترین دوستان همانند و به عنوان دوست نقش مهمی در زندگی هم‌دیگر دارند. این که هیچ تغییری در ترکیب گروه نداشته‌اند و دوست دارم افرادی سولن بخوانند یک هفته برای شرحه رفتن به لس‌آنجس برود بقیه گروه هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. آخر آهنگ‌های U2 مثل Coldplay اسم گروه نوشته شده است و تنها گروهی است که بیست سال روی بوده و هیچ عضی عوض نکرده و جدایی بزرگی نداشته‌است. فوق‌العاده است که بزرگ‌ترین گروه دنیا چنین صداقت و شوری در موسیقی‌اش دارد. جامعه ما ناچور شده و شهرت یک وقت تلف کردن احمقانه است و فرهنگ آدم‌های مشهور تهوع‌آور است. تنها

آدم‌های کمی بوده‌اند که شجاعت این را داشته باشند. غلبه آن حرف بزنند و شهرتشان را در راه خوب به کار گیرند. هر وقت که من سعی می‌کنم این کار را بکنم شبیه یک احمق به نظر می‌رسم چون Bono را می‌بینم که تمام این کارها را دوست دارد. همان وقتی که همه به جرج بوش فحش می‌دهند، بونو دستی به پشت او می‌زند و یک میلیون دلار برای آفریقا پول می‌گیرد.

مردم می‌توانند بدبین باشند. معمولاً کسانی را که پیشرو کارهای خوب هستند را دوست ندارند. ولی بونو می‌گوید که من اهمیتی نمی‌دهم. حرقم را می‌زنند خیلی زیاد در صلح سبز فعال است، در سزارا بونو. در یک کنسرت، برنامه هسته‌ای سلفیاد را کنسل کرده.

چیزی که از بونو یاد گرفتیم این بود: نباید به اندازه کافی شجاع باشی تا خودت باشی. **CR**

من آخر هفته‌ها بلیت نمی‌خرم به ایرلند بروم و دوروبر دروازه خانه آن‌ها پرسم بزنم. ولی U2 تنها گروهی است که کل فهرست آهنگ‌های آن‌ها را از حفظم. اولین آهنگ آلبوم *Unforgettable Fire* بنام *A Sort of Homecoming* را نه به سر و سر از به نه بلدم. خیلی پرشور، عالی و زیباست. یکی از اولین آهنگ‌های بود که برای بچه‌ها هنوز ستودند نشدند خواندم.

اولین آلبوم U2 ای را که شنیدم *Achtung Baby* بود. سال ۹۱ و من چهارده سال داشتم. قبل از آن حتی نمی‌دانستم آلبوم چیست. از آن زمان به عقب رفتم. هر شش ماه یک آلبوم جدید U2 خریدم. صدایی که آن‌ها پیشرو آن بودند - فرام و پاس پیش‌رونده که آن زیر دست و آن گیتارهای رقیق و آتری که روی آن شناور است - را تا آن زمان نشنیده بودم. آن‌ها تنها گروه راک انشورول خوب